

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هجدهم، ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

موضوع: فقه المشاورة/خصوصیات مشاوره‌ی اسلامی /بایدها و نبایدهای مشاوره‌ی اسلامی و مشاور اسلامی

1- حدیث اخلاقی (ویژگی‌های بهترین بندگان)

حدیث امروز در محضر عالم آل محمد (صلوات‌الله‌علیهم‌أجمعین)، حضرت امام رضا (علیه‌السلام) هستیم. این روایت در مسند حضرت، ج ۱، ص ۲۸۴ است.

سُئِلَ عَنِ خِيَارِ الْعِبَادِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا، وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا، وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا، وَإِذَا غَضِبُوا عَفُوا» [1].

با توجه به اینکه بحث امروز، فقه المشاورة است، سؤال بی‌تناسب با بحث‌مان نیست. «سئل علیه السلام عن خيار العباد»؛ بهترین مردمان و بندگان چه کسانی هستند؟ مشاور هم باید سعی کند جزو برترین‌ها و بهترین‌ها بشود، تا بتواند مشکلات را برطرف کند. حضرت چند مطلب را بیان کردند که سیره‌ی خوبان است.

1.1- خوشحالی برای انجام کار نیک

فقال (عليه السلام): «الذين إذا أحسنوا استبشروا»؛

یکی از خصلت‌های خوبان این است که وقتی خوبی و نیکی کنند، مسرور می‌شوند و به بشارت و شادمانی می‌رسند. این‌ها از خوبی کردن، خوشحال‌اند. اهل احسان و خوبی کردن هستند. در خوشحالی هم قطعا حمد الهی هم دارند. در فرمایش دیگر داریم که از خود مراقبه داشته باشید؛ اگر خوبی داشتید، خدا را حمد کنید و اگر بدی داشتید، استغفار کنید [2].

1.2- استغفار بعد از ارتکاب گناه و بدی

«و إذا أسأؤا استغفروا»؛

وقتی خدای نخواستہ بدی‌ای از آن‌ها صادر شود، استغفار می‌کنند. بدی، مساوی با استغفار است.

1.3- شکر بعد از عطای دیگران

خصلت سومی که حضرت بیان فرمودند: «و إذا أعطوا شكروا»؛

اگر مورد محبت قرار گیرند و چیزی به آن‌ها داده شود، شکر می‌کنند. عطایای باری تعالی را باید شکر کنیم. هیچ لحظه‌ای نیست، الا اینکه تحت عنایات باری تعالی هستیم.

1.3.1- حمد و شکر دائمی علامه حسن‌زاده (رحمه‌الله)

یادم نمی‌آید در جلسه‌ی درس و بحث علامه حسن‌زاده (رحمه‌الله) حاضر شده باشم، الا اینکه ایشان حمد را به جا آورده باشند.

1.3.2- توجه به آیات آخر سوره‌ی جاثیه و انس با حمد قرآنی

آیات آخر سوره‌ی جاثیه را حرف رایج خود قرار دهید: ﴿قَلِيلٌ مِّنْ رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [3]. ﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [4]. این ذکر را نهادینه کنید. این ذکر در مقام شکرگزاری با وصف خاص است. «لله الحمد»، بالاتراز «الحمد لله» است. از خصوصیات خوبان، زبان شکرگزاری است. هرچه به آن‌ها کوچک و بزرگ داده شود، شکر می‌کنند. «وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كَلِمَاتِكَ» [5] «که عدد کلمات او نامتناهی است.

1.4- صبر بر مصائب و مشکلات

«وإذا ابتلوا صبروا»؛

اگر به مشکل و گرفتاری می‌خورند، اهل صبر هستند.

1.4.1- کلام علامه حسن‌زاده (رحمه‌الله) در مورد منشأ صبر و ارتباط آن با گیاه صبر

روزی صحبت مقام صبر در محضر علامه حسن‌زاده (رضوان‌الله‌علیه) شد، فرمودند: «صبر در داروسازی، گیاهی است که دو گانه عمل می‌کند؛ یُبَسِّ مزاج را ملین است و مزاج روان را یُبَسِّ می‌کند. گیاه «صبر»، بسیار گیاه تلخی است». دوز دارو مهم است. مشکلی که در طب سنتی ما است، تشخیص دوز داروها است. اینکه چقدر مصرف شود، مهم است. خود همین دمنوش‌ها، دارو است و همیشه مصرف می‌کنند، ولی باید حساب و کتاب داشته باشد. طبیب اگر بخواهد داروی صبر را به مریض بدهد، باید با راه‌های مختلف بدهد. این گیاه، هوشمند عمل می‌کند و هر قسمتی که مشکل داشته باشد، ترمیم می‌کند. ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ [6]. یا ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ [7]. فرمودند: «آقا جان من صبر، این قدر تلخ است!»

1.4.2- اقسام صبر و راهکار قرآنی برای صبر بر مصیبت

تلخی‌های روزگار را باید با شیرینی‌های نتیجه جبران کنیم. ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾ [8]. خوبان نتیجه را می‌بینند. فرمودند: سه صبر داریم: صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت [9]. [برای صبر بر مصیبت]، کلمه‌ی استرجاع را بگویید. ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [10]. این آیه در ابتلائات آرامش می‌دهد. عدد خاصی برای هر مصیبت با این ذکر آرامش می‌دهد.

1.5- عفو و گذشت بعد از غضب

«و إذا غضبوا عفاوا»؛

وقتی غضب پیدا می‌کنند، عفو می‌کنند. در آیات شریفه هست: ﴿فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا﴾ [11]. ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [12]. عفو در زمان قدرت مهم است. اگر توانا بود و گذشت، مهم است.

5 خصلت از خوبان گفته شد: خوشحالی بعد از اعمال نیک، استغفار بعد از گناه، شکر بعد از اعطاء، صبر بعد از ابتلاء به مصائب و عفو و گذشت هنگام غضب.

2- خلاصه‌ی جلسات گذشته

در بحث فقه‌المشاورة به خصوصیات مشاوره‌ی اسلامی رسیدیم. تأکید می‌کنیم که مشاوره‌ی اسلامی، همان‌طور که مضاف‌إلیه آن اسلامی است، تمام آداب و رفتار و توصیه‌ها و گفتار و استنطاقش اسلامی است. استنطاق، یعنی باید مراجع را به حرف در آورد، تا سخن بگوید. باید امانت و جامعیت و عدم غیبت و تهمت را داشته باشد. برخی مشاوره‌ها، یا غیبت است و یا تهمت.

3- بایدها و نبایدهای مشاوره‌ی اسلامی و مشاور اسلامی

3.1- اضلاع مشاوره‌ی اسلامی و رکن اصلی مشاوره‌ی اسلامی

عرض ما این است که مشاور اسلامی، همیشه کارهایش بر اساس سه ضلع مثلث است؛ خدا و مراجع و مشاور. ضلع الهی بودن، رکن اساسی است. رفتار و گفتار مراجع و مشاور هم باید خداپسندانه باشد. از خصلت‌های مشاور، رعایت این موارد از جمله امانت است که گفتیم.

3.2- لزوم پیشگیری و درمان همزمان در مشاوره‌ی اسلامی

رفتار مهربانانه‌ای که بین مراجع و مشاور است، باید مورد بحث قرار گیرد. مشاوره‌ی اسلامی، هم باورانه است و هم یاورانه. هم باید رفع مشکل کند و هم دفع مشکل. خوشا به حال

مشاوره‌ای که دفع مشکل کند و از مشکلات دیگر پیشگیری کند. مشاوره‌ی اسلامی، درمان و علاج است و حکم طبابت دارد و طبیبی که پیشگیر باشد، موفق‌تر است. درمان برخی مرض‌ها زمان‌بر است و پیشگیری بهتر است.

3.3- مشکلات اخلاقی، علت اصلی آسیب‌های فردی و اجتماعی

برخی مسائل اخلاقی را باید در جامعه رواج دهیم، تا آسیب‌ها پیشگیری شود. آسیب‌های مدینه‌ی فاضله کمتر است. یک وقتی آمار مشاوره‌ها و مراکز را می‌فرمودند. من عرض کردم که گسترش این مراکز، یعنی ضد اخلاق‌ها رواج یافته است. این جهت را توجه داشته باشید. اکثر آسیب‌های اجتماعی و فردی به خاطر رعایت نشدن خیلی از مسائل است.

3.4- خاطره‌ی استاد از مرحوم فلسفی (رحمه‌الله)

در محضر مرحوم آقای فلسفی خطابه می‌خواندیم. بعد از اینکه کسی منبر می‌رفت و ایشان امتیاز و نقص را می‌فرمودند، خودشان برداشت‌های زیبایی از آیات و روایات داشتند. فرمودند: «گاهی آن‌قدر مسائل اخلاقی افت کرده است که باید به مردم بگوییم پوست موز در خیابان نیندازید که مردم سر می‌خورند». فرمودند: «در مسجد حاج عزیزالله منبر بودم. توصیه کردم آب را آلوده نکنید. آب قنات از بین چندین خانه رد می‌شد. به بالا محله‌ها گفتم آب را کثیف نکنید. آب خوردن هم از این آب قنات است. صبح‌ها یا آخر شب، آب خوردن برمی‌داشتند که تمیز باشد. منبر تمام شد، صورتم عرق گرفته بود، دیدم آب روانی در حال رد شدن از مسجد است. پله‌های قنات را پایین رفتم و آب به سرم زدم. یک جوان خوش‌ذوقی با لحن خودم گفت: آب را کثیف نکنید! دیدم عجب تذکری داد». اگر متذکر خود باشیم، خیلی عیوب را آرام‌آرام رفع خواهیم کرد.

3.5- مهرورزی مشاور و عدم افشای سرّ مراجعین در مشاوره‌ی اسلامی

یکی از ویژگی‌های مشاوره‌ی اسلامی، مهر مشاور و مراجع است. فرقی بین مشاور و مراجع نیست، الا در مقام راهنمایی. مشکل او را مشکل خودش باید بداند. افشای سرّ نکند. مجالس مشاوره، مجالس اسرار مردم است.

3.6- مورد استثنای در اختیار قرار دادن اطلاعات مراجعین

جز به آسیب‌شناسی در شور بین مشاورین، نباید افشای اسرار مراجعین رواج یابد. باید کلی گفته شود و مصداقش معلوم نشود.

3.7- هشدار جدی برای مشاورین در مهرورزی به مراجعین

مشاورین محترم دقت داشته باشند که از همین مهرورزیدن به مراجعین، خودشان آسیب می‌بینند. نباید هرگونه محبتی داشت. نباید وارد در حریم شد. او اگر در موردی آسیب دیده و مشاور می‌خواهد جبران کند، گاهی خودش آسیب ببیند. در مقام مشاوره باید بر اساس امور اسلامی و اخلاقی و رعایت آن پیش رفت.

3.8- پرهیز از سخن بدون آگاهی برای مشاور

حضرت امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند:

«لا تكونن أول مشير، وإياك والرأي الفطير، وتجتنب ارتجال الكلام مروءة الرجل في نفسه نسب لعقبه وقبيلته [13].»

مشاور نباید طوری باشد که بدون سنجش و بدون آگاهی وارد مشاوره بشود و هر حرفی را بزند. «وإياك والرأي الفطير»؛ یعنی رأی بدوی و بدون آگاهی را نگوید. از کلام بدون دقت باید اجتناب کند.

3.9- مشاوره‌ی عاقلانه و ناصحانه

حضرت امیر (علیه‌السلام) فرمودند: «وَلَا ظَهِيْرَ كَالْمُشَاوِرَةِ [14].» هیچ پشتیبانی، مانند مشاوره نیست. مراجعین با اطمینان خاطر مراجعه می‌کنند. حضرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در بحارالأنوار می‌فرمایند: «مُشَاوِرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ يُمْنٌ وَرُشْدٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»؛ [15] مشاوره، یمن و رشد و توفیق الهی است. هرچه عاقلانه‌تر و ناصحانه‌تر پیش بروند، بهتر است.

[1] مسند الإمام الرضا، عطاردی، الشيخ عزیز الله، ج ۱، ص ۲۸۴.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۶۸، ص ۲۵۸.

[3] سوره جاثیه، آیه ۳۶.

[4] سوره جاثیه، آیه ۳۷.

[5] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۹۴، ص ۱۴۶.

[6] سوره عصر، آیه ۳.

[7]سوره معارج، آيه ٥.

[8]سوره اسراء، آيه ٨٤.

[9]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٦٨، ص٩٢.

[10]سوره بقره، آيه ١٥٦.

[11]سوره نساء، آيه ١٤٩.

[12]سوره نساء، آيه ١٠٦.

[13]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٧٥، ص٢٢٨.

[14]نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج١، ص٣٢٦، حكمت ٥٤.

[15]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج٨٨، ص٢٥٤.